

( 332 )

هو الله

ای افنان سدره مبارکه بر تفصیل مرقومه از حوادث طهران اطلاع حاصل شد فی الحقیقه چنانست که مرقوم نمودید که از احزاب موجوده در ایران کسی که بحکومت اطاعت و تمکین دارد حزب اللهست زیرا نه بتلویح بلکه بنص صریح مأمور باطاعت حکومتند و صداقت بدولت بلکه بجانفشانی بجهت عزت ابدیه عالم انسانی و اگر چنانچه نفسی از احباء بمنصبی رسد و مشمول نظر عنایت اعلیحضرت شهریاری گردد و بمأموریتی منصوب شود باید در امور موکوله خویش بکمال راستی و پاکی و صدق و عفت و استقامت بکوشد و اگر چنانچه ارتکابی کند و ارتشائی نماید مبعوض درگاه کبریاست و مغضوب جمال ابری و حق و اهل حق از او بیزار بلکه بمثونه و مواجب خویش قناعت نماید و راه صداقت پوید و در ره ملک و ملت جانفشانی فرماید اینست روش و سلوک بهائیان و هر کس از این تجاوز کند عاقبت بخسران مبین افتد ای بهائیان گروه مکروه ایرانرا ویران نمودند شما همتی کنید بلکه روحی در جسم آن اقلیم بدمید و زنده نمائید تا تلافی مافات گردد و آیات بینات جلوه نماید انسانرا عزت و بزرگواری بیپاکی و راستی و خیرخواهی و عفت و استقامتست نه بزخارف و ثروت اگر نفسی موفق بر آن گردد که خدمتی نمایان بعالم انسانی علی الخصوص بایران نماید سرور سرورانست و عزیزترین بزرگان اینست غنای عظیم و اینست گنج روان و اینست ثروت بیپایان و الا ننگ عالم انسانست ولو در نهایت شادمانی است چه قدر انسان باید که غافل و نادان باشد و پست فطرت و پست طینت که خویش را باوساخ ارتکاب و خیانت بدولت بیالاید و الله حشرات از او ترجیح دارد انتهی

ای افنان آنجناب در حق ورقه مبارکه المنتسبه الیک باید برأفت و عدالت بحکم الهی معامله نمائی یا آنانرا بطهران بخواهی یا خود بیزد بشتابی سالهای چند است که مهجور و محزون و مأیوس ماندهاند بیش از این جائز نه و علیک التحیة و الثناء (ع ع)